

راهکارهای برون‌رفت از پدیده قاچاق انسان با رویکرد اخلاق اسلامی

محمد تقی فعالی*

عبدالله غلامی**

چکیده

یکی از چالش‌های اساسی بنگاه‌های بزرگ کار و اشتغال فاصله گرفتن از اصول و ضوابط اخلاقی و درآمد مشروع است. بررسی و تحلیل مقوله قاچاق انسان با رهیافت اخلاقی از پیچیدگی و عمق این مقوله پرده برمی‌دارد. موضوعی نظیر «قاچاق انسان» از موارد خاص و ویرانگر در حوزه تجارت جهانی است. تلقی ناصواب از رابطه تجارت با اخلاق و اصول اخلاقی یک نابسامانی مهم و پردامنه است؛ که اشکارا کرامت و ارزش‌های انسانی را مورد هتک قرار می‌دهد. طبیعی است ارائه هرگونه راهکار به‌منظور مبارزه، کنترل و مهار مسئله فاجعه‌آمیز قاچاق انسان در تجارت جهانی، فرع بر تحلیل و بررسی اخلاقی این‌گونه معاملات است. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و رهیافت اخلاقی انجام یافته، با بیان شرایط موجود و ارائه برخی آمارها و تبیین زمینه‌های فراگیری پدیده مجرمانه قاچاق انسان، اقدامات و تصمیمات مجامع بین‌المللی را در مواجهه با موضوع، ناکارآمد دانسته و راهبرد برون‌رفت از این بحران را توجه به اصول و تعالیم اخلاق اسلامی در سه بعد بینشی، گرایشی و رفتاری می‌داند.

واژگان کلیدی

مسئولیت اخلاقی، دادوستد فریبه‌کارانه، قاچاق انسان، نهاد اخلاق دینی، کرامت انسانی.

m.faali@yahoo.com

gholami13296@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۱۸

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران.

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۵

طرح مسئله

مقوله تجارت و قاچاق انسان نوعی همزادی با پدیده برده‌داری دارد و باید آن را برده‌داری مدرن نام گذاشت، گرچه مناطقی چون آفریقا از تراکم بیشتری برخوردار بوده، این پدیده اختصاص به منطقه خاصی از جهان هم نداشته است. پدیده برده‌داری در انگلستان تا سال ۱۸۴۰ میلادی، فرانسه ۱۸۴۸ و در آمریکا تا سال ۱۸۶۵ میلادی ادامه دارد. تحولات در نظام ساختاری اجتماع انسانی در قرون اخیر سبب شده است تا شبه نهضتی علیه برده‌داری در جهان شکل گیرد. و در نهایت با تصویب اعضای حاضر در کنگره بروکسل در سال ۱۸۹۰ میلادی مقوله برده‌داری در سراسر جهان ملغی اعلام گردید. ملاحظه می‌شود که این مصوبه به حدود ۱۲۰ سال قبل برمی‌گردد. متأسفانه مقوله برده‌داری توسط دولت‌های مقتدر از حالت سنتی و عریان خود به بردگی در قالب استعمار جدید نسبت به مناطق مستعمراتی تبدیل شد و این بار به بردگی فرهنگی و اقتصادی و سیاسی درآمد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱ / ۴۱۴ - ۴۱۲)

امروزه علی‌رغم الغای ظاهری برده‌داری، با پدیده مجرمانه و غیر انسانی قاچاق انسان روبه‌رو هستیم. این چالش ضد انسانی که با اهداف متنوعی نظیر: مقاصد بهره‌کشی جنسی، فروش اعضای بدن افراد، بهره‌کشی اقتصادی به صورت کار اجباری و حتی به کارگیری در تکدی‌گری و شرکت در باندهای بزرگ قاچاق و درگیری‌های مسلحانه برای صاحبان قدرت در جهان صورت می‌پذیرد. تجارت انسان در مقایسه با معاملات اسلحه و قاچاق مواد مخدر یکی از سودمندترین معاملات عرصه داد و ستد جهان در روزگار ما است.

باتوجه به اینکه پدیده قاچاق انسان به چالشی همگانی مبدل شده تقریباً همه کشورهای جهان به‌نوعی به اعتراض علیه این چالش قیام کرده‌اند. لیکن به دلیل عدم قاطعیت، متأسفانه در روند مهار و کنترل، به توفیق زیادی دست نیافته‌اند. امروزه سیاست‌های کلان حاکم بر مناسبات بین‌الملل در راستای افزایش فاصله طبقاتی و توسعه فقر و بی‌عدالتی جهانی است و دائماً توان و استعداد‌های توده‌های اکثریت، برای افزایش ثروت اقلیت متمکن جهانی به خدمت گرفته می‌شود و تجارت مدرن که به‌عنوان تنها وسیله برای کسب سود و منفعت بیشتر در آمده است، خود را از هرگونه مسئولیت اخلاقی فارغ می‌داند.

هدف در این تحقیق کاوش در راستای دستیابی به راهکارهایی اخلاقی از منظر اسلام و نهاد اخلاق دینی برای جلوگیری از گسترش و مبارزه مؤثر با معضلی به نام صنعتی شدن قاچاق انسان است. این تحقیق با بیان اهمیت مسئله و تبیین برخی زمینه‌های پیدایش و رواج قاچاق انسان و پیامدهای مخرب آن در جهان امروز می‌کوشد تا ضمن اعلام ناکارآمدی تدابیر و تصمیمات مجامع بین‌المللی، بر رویکردی

مشخص و کارآمد یعنی رجعت به ایمان و انقیاد همه‌جانبه به اصول اخلاقی که به‌طور روشمند در سه قالب: الف) راهکارهای شناختی؛ ب) راهکارهای گرایشی؛ ج) راهکارهای عملی - رفتاری ارائه گردیده است، به‌منظور برون‌رفت از معضل قاچاق انسان تصریح و تاکید نماید.

تبیین مفهوم

بررسی مقوله قاچاق انسان مستلزم شفافیت در تعریف و بیان مفهوم این اصطلاح است. در آغاز بحث اشاره شد که تجارت و قاچاق انسان در واقع همان برده‌داری کهن است چه‌بسا خطرناک‌تر و پیچیده‌تر! قاچاق انسان عبارت است از جابه‌جایی افراد از وطن و محل زیست فعلی و دادوستد غیر قانونی به قصد استثمار چند جانبه با پرداخت و دریافت مبالغی پول، (که البته در مواردی هم با رضایت اشخاص توأم است) در بیان مفهوم و توضیح حقوقی قاچاق انسان در برخی پژوهش‌ها این‌گونه آمده است:

واژه قاچاق در فرهنگ معین به معنای خرید و فروش غیرقانونی اجناس آمده است. (معین، ۱۳۸۲: ۷۴۵) و در لغت به معنای تردستی و کاری است که به‌طور پنهانی انجام می‌گیرد. این عبارت برگرفته از کلمه «قامچاق» به معنای فراری است. (ایمانی، ۱۳۸۶: ۴۰۱) هم‌اکنون اصطلاح قاچاق انسان در ادبیات حقوقی به معنای دادوستد انسان مورد پذیرش قرار گرفته است. گرچه برخی اصطلاح سوداگری انسان را مناسب‌تر دانسته‌اند، ولی با توجه به ماهیت مجرمانه این دسته دادوستدها و این واقعیت که بی‌رحمانه انسان به‌عنوان کالا مورد خرید و فروش واقع می‌شود کاربرد عبارت قاچاق انسان اصلح می‌باشد. (نگهی مخلص‌آبادی، ۱۳۹۱: ش ۹ / ۸۹ - ۸۷)

براساس ماده سوم پروتکل پالمو (۲۰۰۰ م) که اصلی‌ترین سند جهانی در خصوص تجارت انسان است؛ مضمونی این‌گونه وارد شده است:

حمل و نقل، استخدام و پناه دادن یا تحویل گرفتن انسانی با هدف بهره‌کشی و با ابزار تهدید یا استفاده از زور و دیگر اشکال اجبار و تحمیل، آدم‌ربایی، سو استفاده از قدرت یا تطمیع فردی که بر شخص دیگر کنترل دارد. طبعاً بهره‌کشی، انواع و مصادیق فراوانی دارد از جمله بهره‌کشی جنسی، ارائه خدمات اکراهی، بردگی یا قالب‌های مشابه بردگی و حتی برداشتن اندام‌های بدن انسان را نیز شامل می‌گردد. (اشتری، ۱۳۸۵: ۱۷)

زمینه‌های پیدایش و رواج قاچاق انسان

دقت در سودآفرینی قاچاق انسان نشان می‌دهد که امروزه درآمد گروه‌های مافیایی تجارت انسان

از کودکان) در جهان، سالانه افزون بر میزان هفت تا ده میلیارد دلار است.^۱ در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه در برخی از کشورهای آمریکای جنوبی و لاتین، آفریقا، شرق آسیا و اروپای شرقی، تجارت انسان متداول است. گزارش جمعیت حمایت از کودکان وابسته به سازمان ملل متحد حاکی است که؛ حداقل هشت هزار کودک در پاریس و سیصد هزار نفر از ایشان نیز در ایالات متحده آمریکا به کارهای نامطلوب و پست مشغولند. همچنین براساس گزارش سالیانه سازمان ملل متحد در کشورهای آمریکای لاتین خودفروشی در بین اطفال ده تا چهارده ساله، امری رایج و مرسوم است. (عظیمی، ۱۳۷۱: ۲۸)

واضح است چنین سود سرسام‌آوری از طریق مشاغل و انواع دیگر تجارت‌ها هرگز محقق نمی‌شود. این منافع سرشار مادی سبب شده است تا عملاً امکان مبارزه جدی با مقوله قاچاق انسان از سوی مجامع مدافع حقوق بشر منتفی گردد. برای مبارزه مؤثر با این معضل جهانی که به سادگی آزادی و استقلال آدمی را به رقیبت مبدل نموده، بازشناسی عوامل و زمینه‌های گسترش آن کاری ضروری است. زمینه‌ها و عوامل پیدایش و تشدید فعل مجرمانه و غیرانسانی تجارت انسان که کودکان، دختران و زنان غالباً طعمه اصلی گروه‌های مافیایی قاچاق است، موضوعی فراخ دامن بوده، که به پاره‌ای از آن زمینه‌ها اشاره می‌شود:

۱. **ضعف اعتقادی و اخلاقی:** طبیعی است آنگاه که افرادی از نظر اندیشه، از شرایط بالنده‌ای برخوردار نباشند به اندک ناکامی و احساس تنگنایی مجبور به حضور در چنین چرخه خوارکننده‌ای خواهند شد.
 ۲. **فقر و کمبود احساس کرامت نفسانی:** هر فردی به میزانی که از نظر اخلاقی برای خود ارزش بیشتری قائل باشد، به همان میزان هم در مقابل پذیرش رقیبت و کم‌رنگ شدن کرامت خویشتن تاب مقاومت دارد. بنابراین کم‌رنگ شدن و نادیده انگاشتن اصول اخلاقی و لذت‌مداری بی‌حد و مرز بشر امروز، زمینه دیگری است که معضل قاچاق انسان را تشدید می‌نماید.
 ۳. **تنگناهای معیشتی و بیکاری:** بی‌عدالتی، بیکاری و تنگناهای اقتصادی که به موازات آن، افزایش فقر در هر جامعه‌ای بیشتر رخ می‌نمایند به سهم خود باعث رشد و رونق تجارت (قاچاق) انسان برای قاچاقچیان و سبب تشدید گرایش متقاضیان به این عمل مجرمانه خواهد بود.
 ۴. **منافع سرشار و درآمدهای گزاف و هنگفت از طریق تجارت انسان:**^۲ همین سود گزاف سبب شده تا کارتل‌ها و بنگاه‌های توریسیم جنسی با اعتماد به نفس و با سرمستی تمام، برای به یغما بردن و به دام انداختن کودکان و دوشیزگان تهی‌دست و ساده‌لوح به تکاپو درآیند.
- عامل بسیار مهم دیگری را که باید به موارد مزبور اضافه نمود عبارت است از: انفعال، وادادگی و

۱. براساس گزارش سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) که مسئولیت مبارزه با قاچاق و تجارت انسان را برعهده دارد.
 ۲. گاهی سود سالانه گروه‌های مافیایی قاچاق انسان به میزان ۱۲ میلیارد دلار رسیده است. (نگارنده)

مسئولیت‌گریزی سازمان‌های جهانی در مقابل باندهای مافیایی قاچاق انسان است. بدیهی است رصد دقیق، اعمال قاطعیت و اجرای قانون بوسیله عوامل حراستی امنیتی کشورها و نهادهای بین‌المللی در مقابله همه‌جانبه با قاچاق انسان، مهار و کاهش آن را به دنبال خواهد داشت؛ و بشر را از انحطاط نجات می‌دهد. تنها در آن شرایط است که باندهای مخوف قاچاق انسان متلاشی و ناکام خواهد شد.

پیامد و تبعات تجارت انسان

گرچه در پدیده مجرمانه قاچاق انسان انواع بی‌حرمتی‌ها و بهره‌کشی‌های غیراخلاقی قابل تصور است؛ اما گزارش‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وجه غالب بهره‌کشی‌ها در قاچاق انسان، بهره‌کشی جنسی بوده، لذا در بیان و تحلیل پیامدها به این وجه غالب اهتمام شده است.

۱. **نقض منزلت و کرامت انسانی:** کاملاً روشن است که حق آزاد زیستن و در سیطره و بندگی دیگران نبودن اولین حق و نماد زندگی انسانی است. ورود به فرآیند قاچاق انسان گرچه در ظاهر با رضایت افراد صورت پذیرد، درواقع توهین به کرامت انسان و به استثمار کشیدن همه‌جانبه افراد است. به نظر می‌رسد نگاه ابزارگونه به انسان که هرگونه احساس کرامت و هویت را نابود می‌کند جزو اولین آثار ضد بشری این‌گونه دادوستدهاست.

۲. **آزادسازی، رسمیت و تطهیر صنعت سکس:** بشر در دوران پر فراز و فرود حیات خود به تجربه آموخته که برای پاک زیستن باید اصل اعتدال و مدیریت را در ارضای غریزه جنسی سرلوحه زندگی خود قرار دهد. با کمال تعجب در اواخر قرن بیستم (۱۹۹۸ م) اتفاق بسیار ناگواری واقع شد و آن تلاشی مرموز برای به رسمیت شناختن صنعت سکس بود. این تلاش مرموز، صرفاً با اخراج سکس اجباری، عملاً صنعتی جدید و موجه را در مقیاس جهانی به رسمیت شناخت. در نتیجه هم اشتغال و درآمد آن قانونی شد و هم پرداخت مالیات مربوط بر شاغلین و عاملین الزامی شد. طبعاً با این مصوبه و حمایت‌های بین‌المللی از فحشا، قاچاق انسان که غالباً با انگیزه توریسیم و استثماری جنسی همراه بوده، امری موجه و نامرود گردید و عملاً تمام کوشش‌ها و تدابیر مهارکننده قبلی را بی‌اثر ساخت. برخی گزارش‌ها حاکی است که برآورد درآمدهای روسپیگری تایلند در سال ۱۹۹۵ بین ۵۹ و ۶۰ درصد بودجه دولت را تشکیل می‌دهد. (پولین، بی‌تا: ۷۰ - ۶۵)

۳. **افزایش بیماری‌های جنسی (مقاربتی):** یکی از عوامل تهدیدکننده سلامت بشر امروز، افراط‌ورزی در کامجویی از غریزه جنسی است. برخی بیماری‌های مسری و مهلک صرفاً از ناحیه بی‌انضباطی و افسارگسیختگی در شهوترانی جنسی است. روسپی‌گری و فحشا که به وسیله قاچاق انسان هم محمل قانونی داشته و هم رواج یافته، در پسامد خود سلامت جمع کثیری را به خطر انداخته است. غالب

مبتلایان به بیماری های مقاربتی مربوط به روسپیان و مراکز توریسم جنسی است. این بیماران به علت بیماری های واگیر در زمانی نه چندان طولانی، نعمت سلامتی را از خود و جوامع پیرامونی وامی ستانند. در برخی از گزارش ها کشورهای نظیر: آمریکا، نرخ ابتلای روسپیان به بیماری های مقاربتی ۸۵ درصد و در بین روسپیان کامبوج، به میزان ۵۰ درصد اعلام شده است. (پولین، بی تا: ۷۰ - ۶۵) گسترش بی حساب و افسارگسیخته فساد در اخلاق جنسی در جوامع انسانی هم چون زلزله سهمگینی است که بنیان تمام ستون های اصلی حیات آدمی را متزلزل می نماید. به طور اجمال می توان گفت: تهدید سلامت جسمی، روحی و مخدوش نمودن کرامت انسان، استثمار و بهره کشی های جنسی و جسمی شامل: توریسم جنسی، همجنس بازی، استفاده ابزاری و تبلیغاتی در گرایش به فحشا و سکس و تولید فیلم های مروج بی بندوباری اخلاقی تنها بخشی از تبعات و پسماند قاچاق انسان است که نه مصوبات کنفرانس های جهانی و نه دیگر توجیهات به ظاهر قانونی می تواند ناپالودگی آن را تطهیر نماید.

راهکارهای اساسی از منظر اسلام

از ویژگی های سبک زندگی بشر قرن بیستم، کم رغبتی به مقوله معنویت در مفهوم عام کلمه است. در نتیجه چنین شرایطی، عرصه برای ظهور ماده گرایی باز می شود. این انجماد معناگرایی و فقدان شوق به رعایت اصول اخلاقی تمام ساحت های زندگی را اعم از سیاست، اقتصاد، علم و فرهنگ و حوزه تجارت و کار و کسب را دربر گرفته به نحوی که رویکرد معنویت ستیزی رهیافت حاکم بر بسیاری از رفتارهای انسان امروز است. در بیان پیامبر اعظم ﷺ اشاره لطیفی به موضوع شده است:

لولا ان الشیاطین یحومون حول قلوب بنی آدم لنظروا الی ملکوت السماوات والارض.

(نراقی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۶)

اگر شیاطین اطراف قلوب بنی آدم راد محاصره نمی کردند، آنها به ملکوت آسمان ها و زمین می نگریستند.

در بیان برخی مصلحین جهان اسلام بر ضرورت معنویت گرایی و اهتمام اهل ایمان بلکه همه بشریت به اقبال و روی آوری به مظاهر معنویت چنین آمده است: «در درون هر انسانی یک منادی مقدس اخلاقی، که او را به کارهای نیک فرمان می دهد و از کارهای زشت بازمی دارد، وجود دارد. ندای امانت داری و ایثارگری و امثال اینها، و مادامی که غوغای دیگر بلند است انسان صدای باطن خود را نمی شنود» (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۲۸) کسانی که در جهان امروز به شرایط موجود معترض اند همگان بر رجعت صادقانه

بشر به‌سوی معناگرایی اصیل تأکید می‌ورزند.^۱ (راسل، ۱۳۷۶: ۱۴۹)

بدیهی است ارائه راهکارهای چگونگی مواجهه و مقابله با پدیده قاچاق انسان ارتباطی نزدیک با عوامل و زمینه‌های رواج آن دارد. به بیانی دیگر، تا آن زمان که مناسبات زندگی فردی و اجتماعی بشر، معنویت‌ستیز و در حال تقابل با ارزش‌های الهی و انسانی باشد، طبعاً چیزی به‌عنوان کرامت انسان و شرافت واقعی آدمی منزلتی در مناسبات و تعاملات دولت‌ها و قدرت‌های مسلط جهانی نخواهد داشت. تجارت انسان که جنایتی نوین در روزگار ماست، همچون بقیه ستم‌ها و مظالمی که بر انسان معاصر روا داشته می‌شود، ادامه می‌یابد. درحالی‌که مبارزه مسئولانه‌تر مجامع بین‌المللی با پدیده مجرمانه تجارت انسان، امری مطلوب می‌باشد لیکن در مقام عمل و برای تأمین حقوق و منافع افراد حیثیت‌باخته هرگز منشأ اثری نبوده است. براساس گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد (کوفی عنان) سالانه جمعیتی بالغ بر ۷۰۰ هزار زن و کودک فروخته می‌شود درحالی‌که سازمان بین‌المللی مهاجرت در گزارشی اعلام می‌دارد سالانه ۵۰۰ کودک فروخته شده را شناسایی و مورد حمایت قرار می‌دهد. (طولانی، ۱۳۸۰: ش ۲۱ / ۲۰) بنابراین امید بستن به انجام اقدامات مؤثر و درحد انتظار از سوی نهادهایی نظیر سازمان بین‌المللی مهاجرت به‌منزله‌خوابی است که هرگز تعبیر نخواهد شد.

در این مجال تلاش می‌شود تا با استناد به تعالیم در سبک زندگی اسلامی با رویکردی کلی و رهیافتی اخلاقی، راهکارهای مواجهه با پدیده قاچاق انسان را به‌منظور مقابله، کنترل و برون‌رفت از معضل، در قالب سه‌گانه از راهکارهای شناختی، گرایشی - عاطفی و راهکارهای رفتاری - عملی ارائه و مورد بررسی قرار دهیم.

راهکارهای شناختی

منظور از این دسته راهکارها، آموزه‌هایی است که باعث تقویت باورهای اساسی مرتبط با اصول اخلاقی در افراد می‌شود.

۱. کار و اشتغال در بستر اخلاق

روزگار ما که آن را عصر تکنولوژی هم می‌خوانند، متضمن حوادث ناخوشایندی نیز بوده است. ازجمله این تلخ‌کامی‌ها شیوع پدیده قاچاق انسان در دوران مدرن است. که نمادی از بحران‌زدگی و آسیب‌پذیری

۱. راسل در اهمیت ایمان به مرام و غایت مقدس در کلیه اشتغالات انسان چنین می‌گوید: اشتغال و کاری که مقصود از آن حفظ درآمد باشد، نتیجه مفیدی به بار نخواهد آورد. برای چنین نتیجه‌ای باید کاری پیشه کرد که در آن، ایمان به یک مرام و غایت مقدس نهفته باشد.

حوزه کار و اشتغال در جهان است. برای نجات از این چنین معضلاتی چه باید کرد؟ بدیهی است فقدان ارزش‌های انسانی و اخلاقی در فرایند کار، کسب و اشتغال و عدم پایبندی بنگاه‌ها، عوامل انسانی و نیروی کار به ضوابط و موازین مربوط، یکی از اساسی‌ترین دلایل بحران‌های موجود در عرصه تجارت و کار و کسب است. اصلی‌ترین راهبرد برای فائق آمدن بر مشکلات، پیشنهاد طراحی الگوی جامع کار و اشتغالی است که بر مدار اصول و ضوابط اخلاقی جریان داشته باشد. تحلیل رابطه کار و کسب و اصول اخلاقی در منظر اندیشمندان غربی نشان می‌دهد که نموداری پر از فراز و فرود را می‌توان به نمایش گذاشت. از زمان ارسطو کار برای امرار معاش پسندیده تلقی شد و کار برای کسب سود و منفعت مادی امری مذموم، تا زمان به مرکانتلیست‌ها و افرادی نظیر آدام اسمیت رسید که اساس و فلسفه کسب و کار را تحصیل سود قرار می‌دهد. با این تحولات، دیگر افزایش سود و درآمدهای آنچنانی از طریق کسب نه‌تنها غیر اخلاقی نبود، بلکه این تفسیر منزلتی برای اصول اخلاق در حوزه کسب و اشتغال قائل نبود. کسب حداکثری سود هدف عالی اصحاب مشاغل قرار گرفت. در نگاه این دسته نظریه‌پردازان، اصحاب مشاغل به قصد خیرخواهی و خدمت به دیگران به میدان کار و کسب نیامده، بلکه صرفاً سود و درآمد مقصدشان بوده است. این دیدگاه که برآن بود تا اصولاً رابطه‌ای بین اخلاق و کسب و تجارت قائل نباشد برای توجیه و رفع پاره‌های اشکالات در حوزه کار و مشاغل، رعایت قانون را خط قرمز تجارت‌پیشه‌گان معرفی کرد.

البته اشخاص دیگری در بین اندیشمندان غربی دیدگاه بی‌نیازی کار و تجارت از اخلاق را مطلوب ندانسته و ضرورت رعایت ملاحظات اخلاقی و تأمین مقدمات و اسباب خشنودی و راحتی سایر افراد و مشتریان را اصلی عمده در کار و انواع مشاغل دانستند. افراد منتقدی چون سالامون و ریچارد گئوره به صراحت وجود آسیب‌های بزرگ در بازار مشاغل و معاملات تجاری را معلول نادیده‌انگاری و عدم مراعات اخلاق حرفه‌ای دانستند. و ارجاع کسب و تجارت را صرفاً به رعایت قانون برای برون‌رفت از معضلات پیش‌آمده کافی تلقی نکردند. مشکلات عمده‌ای چون: معضلات زیست محیطی، شکل‌گیری تجارت‌های غیراخلاقی از نوع قاچاق اسلحه، مواد افیونی و مخدر و قاچاق انسان را معلول فقدان نظام اخلاقی در تجارت و کسب جهانی دانستند. (توکلی، ۱۳۸۹: ش ۱ / ۱۴ - ۱۱) در دیدگاه گروهی که کسب و اشتغال را بی‌نیاز به اخلاق حرفه‌ای تصور نموده‌اند کمترین مسئولیت اخلاقی را برای شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری فرض می‌نمایند. اگر تولیدات و محصولات یک بنگاه تجاری و معاملاتی متضمن اخلال در سلامت مشتریان و یا تبعات و عواقب مهلک و مخربی برای محیط زیست به دنبال آورد، در چنین شرایطی چه کسانی پاسخ‌گو خواهند بود؟ واقعیت این است که منحصر کردن تعهدات شرکت‌های تجاری در رعایت حقوق سهامداران سخنی پذیرفتنی نیست. عقل و اخلاق حکم می‌کند که اصحاب مشاغل و

صاحبان بنگاه‌های کسب و کار در مقابل آحاد جامعه و جمیع افراد مرتبط و ذینفع دارای مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی‌اند. (فرامرزی قراملکی و نوچه فلاح، ۱۳۸۶: ۱۴ - ۱۳)

طبیعی است مادامی که اندیشمندانی در خدمت سردمداران نظام سلطه اقتصادی در جهان معاصر نظریات به ظاهر علمی برای کوتاه کردن میزان مداخله اخلاق و اصول اخلاقی در حوزه‌های مختلف اشتغال ارائه می‌نمایند و سودآوری تنها اصل مقدس در مشاغل و انگیزه نهایی آنها تلقی شود، چالش‌هایی چون قاچاق انسان و به حراج گذاشتن جان افراد در معاملات و تجارت بین‌المللی امری متعارف و بعضاً قابل دفاع خواهد بود.

۲. امانت‌انگاری امکانات و فرصت‌ها

مطابق آیات ۷۲ و ۷۳ سوره احزاب، همه امکانات و فرصت‌های موجود، امانت الهی‌اند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷ / ۴۱۱) براساس مبانی انسان‌شناختی، اسلام نیز انسان موجودی دو ساحتی است؛ با این اوصاف برای هر تغییر پایداری که قرار است در رفتار آدمیان واقع شود باید به سراغ بعد اندیشه آدمی رفت. از این نظر اعتقاد راسخ افراد شاغل به این باور و شناخت که آدمی صرفاً با مأموریت امانت‌داری در کره خاکی مسکن‌گزیده و تمام مواهبی که در این دوره حیات به او ارزانی شده جز لطف و فضل الهی نبوده است. مطابق این آیات، خداوند فرصت حمل امانت الهی را برای همه موجودات فراهم کرد، منتها از میان همه آنها تنها انسان بود که به پذیرش چنین بارگرانی تن داد. بر این اساس همگان پذیرفته‌اند که جز در موارد مرضی خداوند از آنها استفاده نکنند. بدیهی است افراد با چنین معتقداتی تصور اقدام به خیانت برای شان ساده نخواهد بود. (صدر، ۱۳۷۹: ۱۱۲)

۳. تلقی عبادت از شغل (کسب و کار)

در تعالیم اسلامی هرگاه بناست مقوله‌ای تقدیس شود و فضیلت خوانده شود آن امر، مصداق عبادت معرفی می‌شود مثلاً: تکریم والدین یا نگاه فرزندان به چهره والدین عبادت تلقی شده است. تأمل در برخی آموزه‌های اسلام نشان از عبادت دانستن کار و شغل است، پس چگونه می‌توان تصور کرد که صاحبان مشاغل خود را در حال عبادت بدانند و احياناً دست به خیانت زنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الكاد علی عياله كالمجاهد في سبيل الله؛ کسی که برای تأمین معاش خانواده‌اش تلاش می‌کند، همانند مجاهد در راه خداست». (علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶: ۲۰۸)

۴. انسان، رهین کار و تلاش خویشتن است

قرآن انسان را موجودی خلاق و مختار می‌داند که سعادت و بدبختی او وابسته به تدبیر و اقدام اوست در

قرآن سوره نجم آیات ۳۹. چنین فرمود: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و اینکه انسان به جز کار و تلاشش سرمایه‌ای ندارد و اینکه نزد وی سعی خود را خواهد دید. و در بیانی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

ولو كفي الناس كل ما يحتاجون اليه لما تهنئوا بالعيش ولا وجدوا له لذة. (مظفر، بی تا: ۸۶)
اگر مردمان هرچه را می‌خواستند حاضر و آماده در اختیار داشتند زندگی برای آنان گوارا نمی‌شد و لذتی از آن نمی‌بردند.

۵. اصل کرامت نفس

براساس تعالیم قرآن و سیره اسلامی، انسان در سبک زندگی مؤمنانه باید از عزت و کرامت خود حفاظت نماید. به تعبیر قرآن، خدا و رسول و مؤمنین عزیزند و چون کار و تلاش ضامن عزت آدمی و مشاغل کاذب اسباب تنزل از مقام عزتمندانه انسان است، پس عذری برای طفره رفتن نیست. معلی بن خنیس می‌گوید امام صادق علیه السلام مرا دید که دیر به بازار برای انجام کار خود می‌روم چنین فرمود: «اغد الی عزک، صبح زود به طرف عزت و بزرگی خود بیرون برو». (صدوق، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۹۲)

راهکارهای گرایشی عاطفی

منظور از این دسته راهکارها، آموزه‌ها و رهنمودهایی است که باعث می‌شود افراد به لحاظ عاطفی و احساسی به وظایف و تعهدات اخلاقی خود در معاملات و تجارت پایبندی کافی نشان دهند.

۱. تشویق به طلب حلال در مشاغل

تقدیس پارسایی و بشارت به رستگاری متقین، از آموزه‌های قطعی قرآن است؛ اصلی کانونی که تعیین‌کننده جایگاه و منزلت حقیقی انسان است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.» (حجرات / ۱۳) (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۱۸ / ۳۲۷) و در آیه دیگری فرمود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (مائده / ۲۷) تنها از متقین پذیرفته می‌شود؛ امام علی علیه السلام در توصیف و شرح احوال اهل تقوا به دو علامت تصریح دارد: «طلباً فی حلال و نشاطاً فی هدی» (حرانی، ۱۳۶۳: ۱۶۰) متقین در تهیدستی آراسته و در جستجوی کسب حلال و در راه هدایت شادمانند. بدیهی است تلاش در راه پرهیزگاری و رسیدن به مقام اهل تقوی آرزوی هر انسان طالب کمالی است. لذا موحدان نه طالب باطلند و نه بهره‌برندگان از حرامند.

۲. تشویق به مسئولیت‌پذیری

براساس مبانی الهیاتی اسلام، انسان موجودی عاقل و مختار است که به دلیل این شرافت در مقابل آنچه

از عمل و رفتار از او سرمیزد پاسخ‌گوست. در سوره اسراء آیه ۱۵ چنین آمده: «مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ» این آیه شریفه هدایت و گمراهی شخص و مسئولیت عمل هر فرد را مربوط به خود او می‌داند. با این اوصاف هر مقدار گرایش به مسئولیت‌پذیری افراد و بنگاه‌های تجاری توسعه یابد، رفتار مسئولانه که نشان از رونق و افزایش روحیه امانتداری در فرد شاغل است بیشتر مشاهده می‌شود.

۳. توجه به انگیزه‌مندی و کیفیت کار و شغل نه حجم عمل

از مبانی ارزش‌شناختی اسلام توجه به انگیزه صالحانه و شایستگی افعال و کیفیت کارها است. از این جهت ظاهر عمل به‌تنهایی اعتباری ندارد، پیش از هر چیز باید به کیفیت اعمال عنایت داشت ولو عملی در ظاهر ساده و کوچک بنماید؛ نه گناه کوچک حقیر و نه عمل صالحی کوچک و صغیر دانسته می‌شود. امام علی علیه السلام در اهمیت کیفیت کار، این چنین می‌گوید:

افعلوا الخیر ولا تحقروا منه شیئاً فان صغیره کثیر وقلیله کثیر.

به انجام کار نیک کوشا باشید و آن را هر مقدار که باشد کوچک شمارید؛ چون که کوچک آن بزرگ و اندک آن فراوان است. (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۲)

۴. تشویق به ثروت‌اندوزی و انتفاع با رعایت عفت عمومی

رویکرد عمیق و جامع اسلام در مقابله با اشاعه رفتارهای غیراخلاقی، اقتضا دارد تا قاچاق انسان (توریسم جنسی) را در جرگه جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی قرار دهد. از این نظر جستجوی برخی راهکارها نیز از این رهیافت کاری بسزاست. پدیده مجرمانه قاچاق انسان که اغلب با روسپیگری در قالب جدید و صنعتی‌شده آن همراه شده است، مفهوم مشابهی در تاریخ صدر اسلام و الگوی سبک زندگی اسلامی ندارد؛ اما واژگانی نظیر: زنا و فحشا از برخی متون و منابع فقهی استفاده می‌شود.

در قرآن سوره اعراف آیه ۳۳ می‌خوانیم: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» در توضیح آیه، سخن معصوم علیه السلام کارگشاست: «قوله ماظهر منها: یعنی الزنا المعلن ونصب الریات التي كانت ترفعها الفواحش في الجاهلية» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶ / ۴۰۶) «ماظهر منها» منظور، آن زنا (روابط جنسی) آشکار و علنی است که با قراردادن پرچمها بر خانه‌های فساد در جاهلیت مرسوم بوده است. تأمل در وصف علنی برای درک و بازگشایی رمزی از مقصود اهمیت دارد. فحشای علنی اگر با دیگر انواع آن تفاوتی نداشته باشد در نظر معصوم علیه السلام مورد دقت واقع نمی‌شد. به‌نظر می‌آید قرآن در

تدارک دفع یک پندار باشد و آن اینکه؛ فحشای مخفیانه و پنهانی هم حرام و گناه است، گرچه در ظاهر به حقوق جامعه ضرر نمی‌زند.

توجه به مفاد این آیه شریفه نشان می‌دهد که بین فحشا پنهانی و آشکار از حیث بعضی آثار و ملازمات تفاوت است. گرچه هر دو در نگاه شرع حرام و مذموم تلقی می‌شود؛ اما مفهوم گناه پنهانی، تقابل و جنگ با عفت و اخلاق عمومی نیست درحالی‌که فحشای علنی و آشکار نوعی تضاد و تقابل با عفت و اخلاق عمومی دارد. به عبارت دیگر نه فقط فساد بلکه باعث افساد هم می‌باشد و به دلیل فسادانگیزی که متضمن است مرتکبین آن سزاوار کیفر اشد خواهند بود. چه بسا این نوع فحشا و گناه که به صورت علنی علیه عفت و اخلاق عمومی است در زمره افساد فی الارض قرارگیرد. از این توضیح و دقت در آیه شاید بتوان این گونه نتیجه بگیریم، از آن نظر که پدیده صنعت سکس به‌عنوان دستاورد غالب از قاچاق انسان درآمده است، پس این تجارت مجرمانه هم مصداق اشاعه فحشا و هم جنگ و تقابل با عفت و اخلاق عمومی در جامعه اسلامی است.

بنابراین تعالیم و آموزه‌هایی که می‌توان از قرآن و روایات اسلامی درخصوص مواجهه با پدیده قاچاق انسان در مفهوم و مصادیق امروزی آن بهره گرفت، اجمالاً به قرار زیر است:

الف) یکی از مصادیق روشن از مفهوم فحشا در قرآن و متون اسلامی، رفتارهای غیراخلاقی در راستای ارضای غریزه جنسی است که پس از جرم‌انگاری آن در تعالیم اسلامی، ویژگی‌ها و احکام هر قسم بیان و تشریح شده است. دسته‌ای در زمره گناهان صغیره و دسته‌ای در جرگه گناهان کبیره جای گرفته و گاهی در طبقه‌بندی به فواحش پنهانی و فواحش آشکار توجه و تأکید شده است.

ب) قرآن در موضع تقبیح و یا جرم‌شناسی رفتارهای غیراخلاقی (جنسی) آنگاه که پای حقوق افراد و حقوق عمومی به میان می‌آید، اهتمام و دقت فوق‌العاده‌ای را مبذول داشته و در جایی که بحث علنی بودن فحشا و تضییع حقوق عمومی و اخلال در نظام عفاف و اخلاق عمومی مطرح باشد دیگر به اعلام حرمت شرعی و تهدید به عقوبت اخروی اکتفا نمی‌نماید؛ در صورتی‌که اقدامات مجرمانه مزبور متضمن اخلال شدید در نظم عمومی کشور و جامعه انسانی، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا سبب اشاعه فساد و فحشا (مثل دایرکردن مراکز فساد و فحشا) در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب می‌شود و به اعدام محکوم می‌گردد. (قانون جدید مجازات اسلامی، ۱۳۹۲: فصل نهم / ماده ۲۸۶ / ص ۱۱۴)

راهکارهای عملی و رفتاری

منظور از این دسته راهکارها، رهنمودها و دستوراتی است که به‌طور مستقیم افعال و رفتار افراد را به سمت انجام درست وظایف و تعهدات در حوزه کار و مشاغل هدایت می‌کند.

۱. اعلام ممنوعیت معاملات فریب‌کارانه

اشتغال و تجارت به تبع توسعه کمی و کیفی حیات انسانی، هم به تنوعی گسترده دست یازیده و هم پیچیدگی‌های ویژه‌ای یافته است. به دنبال این دگرگونی‌های پیش‌آمده، مشکلات و معضلاتی نیز در عرصه کار خودنمایی می‌کند. در این میان انجام فعالیت‌هایی مثل: معامله و خرید و فروش انسان، تجارت اسلحه و موارد مشابه در عرصه کسب و کار جهانی به‌وفور ملاحظه می‌شود. ارزیابی و تحلیل میزان سلامت و صحت اخلاقی و حقوقی این معاملات از منظر اسلامی در منابع مربوط در باب مکاسب و تجارت و مباحث مرتبط، به تفصیل مورد مذاقه قرار گرفته است. در منابع هم به شرایط اصل معامله و هم منافع مقصود در معامله توجه و آفری به عمل آمده است. مطابق ضوابط فقهی اگر منفعت محرمه در معامله‌ای تمام موضوع را شامل شود و یا منفعت محرمه جزو موضوع و یا به‌عنوان انگیزه و هدف در معامله قرار گیرد، آن معامله مصداق کسب حرام و فریبه کاری محسوب می‌شود. باید توجه داشت که عالمان و فقیهان گران‌قدر در مورد معاملات فریب‌کارانه و دربردارنده منفعت حرام نظر یکسانی ندارند. لیکن در موضع اجتهاد و بررسی این‌گونه معاملات مطابق قاعده «حرمت اعانه بر اثم» یا «قاعده وجوب رفع» یا «دفع منکر» و یا «اکل مال بالباطل» که امکان استدلال به آن میسر است، نظریه و فتوی به حرمت و نامشروع بودن این‌گونه معاملات مشهورتر است. (نجفی، ۱۹۱۸ م: ۲۲ / ۳۰۱؛ امام خمینی، بی‌تا: ۳۶۶ - ۳۳۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۶۹؛ فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۸: ۳۶۵ - ۳۱۶)

ملاحظه می‌شود که یکی از راهبردهای قابل توجه اسلام در مواجهه با این نوع فعالیت‌ها، حرام و نامشروع خواندن آن از جنبه تعهدات اخلاقی - حقوقی است. در نتیجه کلیه مسئولیت‌ها و ضمانت‌های لازم متوجه اصحاب مشاغل و بنگاه‌های تجاری دخیل در این چنین معاملات است. در متون و منابع حقوقی نیز با بهره‌گیری از دانش و رهنمودهای فقه اسلامی به شرایط صحت معاملات اشاره شده است.^۱

تحلیل و سنجش مقدار دخالت عوامل، از بین دست‌اندرکاران بنگاه‌های کسب و کار در شکل‌گیری دادوستدهای فریبکارانه‌ای چون قاچاق انسان حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد برای مهار این‌گونه معاملات، راهی جز الزام و رعایت شئون و شایستگی‌های اخلاقی مدیران نیست. لذا رهیافت اخلاقی، ما را به ضرورت شناخت بعضی از عوامل فریب‌کاری در فضای تجارت و اشتغال فرا می‌خواند.

الف) بیشینه‌سازی منفعت (سود) به هر قیمت: گرچه برپایی یک سازمان در فضای کسب و کار برای تأمین مقاصدی از جمله درآمد و سودآوری برای دست‌اندرکاران و شاغلین است. اما این منفعت‌جویی به دلایل مختلفی نمی‌تواند بی‌قاعده و بدون ملاحظات پیرامونی باشد. توجه انحصاری به افزایش سود

۱. در ماده ۱۹۰ قانون مدنی و ماده ۲۱۷ که به «جهت معامله» اشاره شده است. (قانون مدنی، ۱۳۸۵: ۴۹ و ۵۲)

بی‌قاعده، صاحبان مشاغل را به پرتگاه‌های مهلک‌تری سوق می‌دهد. (بلانچارد، ۱۳۸۴: ۳۰ و ۱۲۴) در اسلام اصل رقابت و تلاش مسابقه‌گونه برای دستیابی به منفعت‌های پایدار تأکید شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الا وَاِنَّ الْيَوْمَ الْمَضْمَارَ وَغَدَاَ السِّبَاقَ، وَالسَّبِقَةَ الْجَنَّةَ وَالْغَايَةَ النَّارَ.

آگاه باشید که امروز، روز تمرین و فردا روز مسابقه است، پاداش برندگان بهشت و کیفر عقب‌ماندگان آتش است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۸)

امام علیه السلام نشان می‌دهد که خصلت پیشینه‌سازی منفعت‌مادی به هر قیمت، سبب رویگردانی از سعادت‌مندی در عاقبت و محرومیت از بهشت خواهد بود.

ب) **سوءفهم در معنای فطانت:** فطانت در تعالیم اسلامی از نشانه‌های مؤمنانه زیستن است؛ لیکن این مفهوم بلند گاهی در نظر اشخاص به انحطاط می‌رود به نحوی که دغل‌ورزی و فریبه‌کاری را مصداق آن می‌پندارد. این انحراف در تلقی و بدفهمی، امروزه به یک بیماری عمومی اخلاقی بدل شده است. باید اعتراف کرد که غلبه پندار و تصور هم‌معنایی فریبه‌کاری با زیرکی بر فضای کار و اشتغال حکم می‌راند. اگر ادعا شود این بدفهمی از زیرکی در فضای کسب و تجارت جهانی امروز به تهدیدی بزرگ مبدل شده است سخن‌گرافی نیست. فریبه‌کاری به عنوان یک چالش و تهدید مهلک در زمانه ما به‌طور جدی در فضای تجارت و مشاغل آن هم در مقیاس بین‌المللی شیوع دارد. به دو مورد فوق می‌توان نادیده‌انگاری ارزش و کرامت نیروی کار را نیز افزود.

مطالعه و تحلیل آثار و ابعاد معاملات فریبه‌کارانه در تعالیم اسلامی نشان می‌دهد که فقه اسلامی ضمن حرام دانستن اصل فعالیت به‌عنوان مشاغل نامشروع، درآمد و منفعت حاصله را از طریق فریبه‌کاری نمونه اکل بالباطل خوانده و برای عاملان و مجریان این دسته معاملات مسئولیت و ضمانت‌های اخلاقی و حقوقی قائل است. (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۸: ۳۶۴ - ۳۶۳)

۲. ضرورت برپا داشتن تشویق و تنبیه

استفاده از تشویق و تنبیه مناسب، یکی از راهکارهای اساسی تعمیق و توسعه فضایل اخلاقی و انقیاد به اصول اخلاقی در قرآن است. بنابر منطق وحی، ازجمله آیه ۱۰۷ - ۱۰۶ سوره اعراف، محصول عمل مؤمن، متفاوت از عمل فاسق است. در نتیجه بهره‌ای که نصیب هر یک می‌شود نیز متفاوت است. بدیهی است وقت سنجش و محاسبه نیز نیکوکاران پاداش دریافت می‌کنند و بدکاران عقاب می‌شوند. قرآن در آیه ۱۵ سوره بقره می‌فرماید: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ.» در آیات پیشین کافران در

مقابل دعوت به ایمان مؤمنان را به تمسخر می‌گیرند، خداوند نیز استمرار در کفر و بلا تکلیفی آنان را به عنوان مجازات ایشان در نظر گرفته است. تأکید بر اجرای حدود الهی، تأیید قصاص و اصرار بر اجرای حدود در ملاً عام شاهدی بر ضرورت تنبیه این جهانی مجرمان است.

۳. ضرورت پایبندی دولت و نظام اجتماعی به تعهدات قانونی و اخلاقی در حوزه کار و مشاغل

در نگاه اسلام دولت صرفاً برآورده‌ساز یک دسته نیازهای عرفی روزمره نیست؛ بلکه فراهم آوردن برخی زمینه‌ها برای ارتقای معنوی و فرهنگی و تحقق معنای عدالت در ساحت‌های مختلف سبک‌زدگی اسلامی را برعهده دارد. رفع بسیاری از مشکلات حوزه کار و اشتغال که عمیق شدن آن معضلات، اصل امنیت، فرهنگ و اخلاق جامعه را آسیب‌پذیر می‌سازد، صرفاً با دخالت نظام مدیریتی حاکمیت قابل علاج است. تعهداتی نظیر:

الف) توسعه بهره‌وری: یکی از راهکارهای عملی برای توسعه بهره‌وری در جامعه، آموزش و ارتقای مهارت‌ها و از آن مهم‌تر نظارت بر اهالی مشاغل است. این مأموریت در عرصه کلان‌کشوری صرفاً از عهده نظام حاکم برمی‌آید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قیمه کل امرأ ما یحسنه؛ ارزش هر فرد به اندازه حسن و درستکاری اوست.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲) پرواضح است در الگوی مشاغلی که توسعه بهره‌وری مطمح‌نظر است اقدام به عمل مجرمانه قاچاق انسان، هیچ توجیهی نخواهد داشت.

ب) اجرا و اعمال شایسته‌سالاری: اگر دولت در نظام استخدام و واگذاری مسئولیت‌ها با رعایت الزامات امانتداری و شایسته‌سالاری عمل نماید و بر کیفیت ارائه خدمات بنگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدماتی خصوصی نظارت کارآمد داشته باشد، هیچ فرصتی برای ظهور مشاغل کاذب و مجرمانه‌ای چون قاچاق انسان فراهم نمی‌آید.

ج) توزیع عادلانه مشاغل و ضرورت تقسیم کار: از آنجا که نظام خلقت احسن و حکیمانه اقتضا دارد که هر چیز و هر کس به لحاظ سعه وجودیش در جای خود بنشیند و از سوی دیگر بناست حیات رو به تکامل انسان، از ذیل الگوی زندگی اجتماعی بشر پیش رود، لاجرم موضوع تقسیم کار امری ضروری می‌نماید. تقسیم کار و توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی که با دست با کفایت دولت قابل انجام است اهمیت به کار بستن راهکار تقسیم کار را صد چندان می‌سازد. امام علی علیه السلام در اهمیت توزیع عادلانه مشاغل در موضعی به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین می‌فرماید:

اجعل لكل انسان من خدمک عملاً تأخذ به، فانه أحرى الايتواكلوا في خدمتک.

(نهج البلاغه، نامه ۳۱)

کار هر کدام از خدمتکاران را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی، تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر واگذارند و در خدمت سستی نکنند.

به موارد تعهدات دولت می‌توان عناوینی نظیر: ضرورت تأمین امنیت شغلی (نهج البلاغه، نامه مالک اشتر، ۵۳) و نظارت بر کار و مشاغل را افزود. کارکنان به یمن نظارت‌های دولت می‌توانند مقدار تطابق کارکرد خود را با تعهدات بسنجند و نهایت هرگونه آسیبی را از خود و فضای کار بزدایند. از نامه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه به مالک اشتر نخی در ضرورت مقوله نظارت نکته‌های ارزشمندی به دست می‌آید. جرج جرداق مسیحی با انتخاب فرزای از نهج البلاغه اهمیت نگاه نظارتی مولی علیه السلام را به دو گروه کارگزاران ارشد حکومتی و گروه بازرگانان می‌ستاید. (جرج جرداق، ۱۳۷۶: ۲۳۹ و ۳۴۰)

با توجه به نکات مذکور در راهکار پایبندی به تعهدات اخلاقی دولت می‌توان نتیجه گرفت. نخست: کاربردی شدن دو عنصر درستکاری و مهارت که عملاً به ارتقای بهره‌وری کار کمک می‌کند صاحبان مشاغل و بنگاه‌داران اقتصادی را به سمت درآمدهای مشروع سوق داده و معاملاتی از جنس قاچاق انسان را از دستور کار اقتصادی خارج می‌نماید. دوم: رعایت تقوای اجتماعی کار به‌عنوان یک ضرورت غیر قابل انکار در جمیع عرصه‌های معاملات و تجارت مدنظر اصحاب مشاغل قرار می‌گیرد و پدیده‌ای نظیر قاچاق انسان فاقد هرگونه اعتبار و مطلوبیت تلقی می‌شود. سوم: تقسیم کار صحیح ضمن افزایش تولید کیفی و مؤثر، اصحاب مشاغل را از پرداختن به معاملات غیراخلاقی و جلب ثروت‌های بادآورده منع کرده و شاغلین را از هرگونه سهل‌انگاری در انجام مسئولیت‌های اخلاقی باز می‌دارد؛ و گرایش به کسب درآمدهای حرام را به حداقل برساند. چهارم: مقوله نظارت و کنترل خصوصاً بر کارگزاران و بازرگانان و صاحبان بنگاه‌های تجاری سبب می‌شود تا صاحبان قدرت سیاسی و اقتصادی نتوانند با سوءاستفاده و رانت‌خواری در جرگه معامله‌گران مجرمی چون قاچاق انسان درآیند. امروزه متأسفانه برخی دولت‌ها با تسامح در مبارزه با این‌گونه معاملات مجرمانه عملاً شریک جرم باندهای قاچاق انسانند و درواقع در تشدید و رونق این پدیده سهیم‌اند.

البته می‌توان به موارد راهکارهای رفتاری - عملی عناوینی نظیر: ممنوعیت برده‌داری و محدودسازی دیگر انسان‌ها و راهکار دفاع از ستم‌دیدگان و مظلومین در همه شرایط را نیز اضافه کرد.

نتیجه

مقوله قاچاق انسان از مسایل با سابقه و دیرینه حیات انسانی است؛ که در دوران معاصر با بروز جنگ جهانی اول با مقاصد مختلفی از جمله استثمار جنسی کودکان و زنان مقارن بوده است. این فاجعه انسانی

و کرامت‌سوز، محدود به مکان یا منطقه خاصی در جهان پهناور نیست. میزان درآمد سالانه تجارت جنسی که یکی از ابعاد قاچاق انسان است، افزون بر ده میلیارد دلار بوده که سبب گردیده تا کشورهای زیادی در این تجارت مجرمانه و غیرانسانی مشارکت داشته باشند.

اصلی‌ترین عوامل گسترش تجارت انسان، فقر و تنگناهای معیشتی، نابسامانی شرایط فرهنگی اخلاقی و خانوادگی و مواجهه غیرمسئولانه سازمان‌های بین‌المللی در مهار و کنترل باندهای جهانی قاچاق انسان و امکان سوءاستفاده از ضعف عملکرد نهادهای عدالت کیفری است.

از پیامدهای مهلک و خطرناک قاچاق انسان بیماری‌های واگیردار جنسی و تهدید نه‌تنها سلامت جسمانی و روانی قربانیان بلکه جوامع پیرامونی، نقض کرامت انسانی و بالاخره مشروعیت این دادوستد مجرمانه و معنویت‌ستیز است. بهترین شاهد بر عجز و ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی در مواجهه و مبارزه با پدیده شوم و ویرانگر قاچاق انسان جریان رو به رشد و تشدید این دادوستد در نقاط مختلف جهان است.

توجه به رهنمودهای ادیان خصوصاً آموزه‌های اخلاقی اسلام راهکارهای متنوعی را برای مقابله و برون‌رفت از چنین بحرانی ارائه می‌نماید. نهاد اخلاق دینی با ارائه راهکارهایی نظیر: امانت‌انگاری آورده‌های هستی؛ تلقی عبادت از کسب و مشاغل؛ ضرورت حفظ عزت‌نفس و کرامت انسان‌ها در همه شرایط؛ ضرورت ثروت‌اندوزی در بستر اخلاق و عفت عمومی؛ اولویت اعمال احسان و گذشت در تعامل اجتماعی؛ اقامه پاداش و تنبیه و تعمیم در فرهنگ عمومی؛ ممنوعیت معاملات فریبه‌کارانه؛ ضرورت پایبندی دولت در اجرای تعهدات اخلاقی و قانونی (تقسیم کار و توزیع عادلانه مشاغل، اقامه شایسته‌سالاری و اعمال کنترل و نظارت بر مشاغل) درحقیقت راهکارهای عملی مقابله و مبارزه را با پدیده قاچاق انسان تأکید و تصریح می‌نماید.

اسلام عاملین و دست‌اندرکاران معاملاتی نظیر قاچاق انسان را به‌دلیل فقدان مسئولیت اخلاقی و حقوقی محکوم و مجرم تلقی می‌نماید. اسلام به‌دلیل خروج و انصراف آگاهانه عاملین و مجریان چنین دادوستدهایی از حوزه تعهدات اخلاقی و پشت‌پازدن به حرمت و کرامت انسان و به دلیل آثار ویرانگری که بر پیکره عفت و اخلاق عمومی وارد می‌آورد نهادهای عدالت کیفری را برای اعمال شدیدترین مجازات‌ها یعنی اجرای «حد افساد فی الارض» مجاز می‌داند. بنابراین باید بر راهکار رجعت دوباره بشر معاصر و انقیاد به اصول اخلاقی به‌عنوان راهکار اساسی برای مبارزه و برون‌رفت از مشکل قاچاق انسان مؤکداً اصرار ورزید.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ترجمه محمد دشتی، قم، ارمغان طوبی.
۳. اشتری، بهناز، ۱۳۸۵، قاجاق زنان بردگی معاصر، تهران، میزان.
۴. امام خمینی، سید روح الله، بی تا، البیع، قم، مهر.
۵. ایمانی، عباس، ۱۳۸۶، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، ج ۲، تهران، نامه هستی.
۶. بجنوردی، محمدحسن، ۱۴۱۹ ق، القواعد الفقیه، قم، الهادی.
۷. بلانچارد، کنت، ۱۳۸۴، قدرت مدیریت اخلاقی، ترجمه بهزاد رضانی، تهران، گندمان.
۸. توکلی، محمدجواد، ۱۳۸۹، «درآمدی بر فلسفه اخلاق تجارت با رویکرد اسلامی»، معرفت اقتصادی، ش ۱، سال اول.
۹. جرداق، جرج، ۱۳۷۶، امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ج ۱، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم، خرم.
۱۰. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، اسلامی.
۱۱. راسل، برتراند، ۱۳۷۶، قدرت، ترجمه نجف دریابندری، تهران، نیما.
۱۲. صبحی صالح، ۱۴۱۲ ق، نهج البلاغه، قم، دار الهجره.
۱۳. صدر، محمدباقر، ۱۳۷۹، الاسلام يعود الحیاة، مقاله لمحہ فقیهه عن مشروع الدستور فی جمهوری اسلامی ایران، قم.
۱۴. صدوق، محمد بن بابویه، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۵، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات جامعه مدرسین.
۱۶. طولانی، قاسم، ۱۳۸۰، «ابعاد وحشتناک تجارت کودکان»، مجله ترجمان اقتصادی، ش ۲۱.
۱۷. عظیمی، مهدی، ۱۳۷۱، «پسرفروشی ننگین ترین شغل دنیا»، ماهنامه کهکشان، ش ۲۲.
۱۸. علی بن موسی الرضا، الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، تحقیق مؤسسة آل البيت، قم.
۱۹. فرامرزقراملکی، احد و رستم نوچه فلاح، ۱۳۸۶، موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، تهران، مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشرا.
۲۰. فرامرزقراملکی، احد و همکاران، ۱۳۸۸، اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام / مقالات دادوستد فریبه کارانه و معاملات با جهت‌گیری نامشروع، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۱. قرائتی، محسن، ۱۳۸۸، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *اصول الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *فلسفه اخلاق در اسلام*، تهران، صدرا.
۲۴. مظفر، محمد کاظم، بی تا، *توحید مفضل*، قم، انتشارات داوری.
۲۵. معین، محمد، ۱۳۸۲، *فرهنگ فارسی یک جلدی*، تهران، نشر سرایش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. منصور، جهانگیر، ۱۳۸۵، *قانون مدنی آخرین اصلاحات*، تهران، دیدار.
۲۸. _____، ۱۳۹۲، *قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱*، تهران، دیدار.
۲۹. نجفی، محمدحسن، ۱۹۱۸ م، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۲، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۳۰. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۸۳، *جامع السعادات*، ج ۱، نجف الاشرف مطبعه النجف.
۳۱. نگهی مخلص آبادی، مرجان، ۱۳۹۱، «جهانی شدن مقابله با قاچاق انسان و تأثیر آن بر سیاست جنایی تقنینی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، ش ۹، دوره سوم.





پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ